

تحلیل الگوهای فضایی - اجتماعی مسکن روستایی و عوامل مؤثر بر آن در استان قم

سید اسکندر صیدایی: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
محمدعلی احمدی شاپورآبادی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران*

وصول: ۱۳۸۹/۲/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۲۳، صص ۷۸-۵۷

چکیده

مسکن روستایی نشان دهنده چشم انداز فرهنگی حاصل از تعامل بین انسان و محیط و دارای ارتباط دو سویه بین تحولات فضایی-کالبدی و تغییرات در ساخت اجتماعی و اقتصادی بوده و متأثر از مجموعه‌ای از عوامل جغرافیایی، طبیعی و اجتماعی-فرهنگی است. از این رو به منظور برنامه‌ریزی توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی و رسیدن به اهداف قابل تحقق توسعه ملی، شناخت و تحلیل الگوهای فضایی، اجتماعی سکونتی به عنوان بستر استقرار انسان از اهمیت بسیار برخوردار است. به تبع این ضرورت این پژوهش بر آن است تا به مطالعه، شناخت و تحلیل الگوهای استقرار فضایی - اجتماعی مسکن روستایی در استان قم بپردازد. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است و برای جمع‌آوری اطلاعات، ترکیبی از روش‌های اسنادی و میدانی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوهای فضایی - اجتماعی استقرار ناشی از عوامل طبیعی (ناهمواری‌ها، منابع آب و خاک، چشمه، قنات و چاه) و هم چنین عوامل انسانی (راه‌های ارتباطی، تأثیرپذیری جامعه روستایی از شهر و تغییرات در ساخت‌های اجتماعی و اقتصادی) و در مواردی تأثیر ترکیبی چند عامل است. الگوی پراکنش عمدتاً خوشه‌ای و خطی خوشه‌ای است. تحت تأثیر تغییرات در ساخت‌های اجتماعی و اقتصادی دگرگونی در الگوهای اجتماعی (بافت، کالبد و ریخت مسکن روستایی) به وجود آمده و به نوعی نشان دهنده نوع فعالیت در امور اقتصادی و نگرش اجتماعی - فرهنگی و چگونگی تحول در معیشت ساکنان فضاها روستایی استان است.

واژه‌های کلیدی: استقرار فضایی، الگوی اجتماعی، مسکن روستایی، توسعه پایدار روستایی، استان قم

مقدمه

طبیعت، امکان بهره‌گیری و بهره‌برداری بهینه از محیط و ... انتخاب می‌کرد و تلاش می‌نمود سکونتگاهی برخوردار از آسایش داشته باشند. از طرفی بدیهی است اولین گام در هر نوع برنامه‌ریزی از جمله برنامه ریزی توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی داشتن شناختی جامع از چگونگی پراکندگی، موقعیت و جمعیت سکونتگاه‌ها است. به علاوه برای انسجام و یکپارچگی مکانی - فضایی، توسعه اقتصادی -

استقرار انسان در فضا و الگوهای استقرار فضایی مسکن روستایی و کانون‌های جمعیتی، پدیده‌ای چند بعدی و دارای قدمتی حدود ۱۲ هزار ساله است. بشر در روند تکاملی زیست خود بر اساس تجربیات عملی، سکونتگاه‌های خود را با توجه به عواملی همچون دما، وضعیت توپوگرافی، دسترسی به منابع زیستی، امنیت، مخاطرات محیطی امکان سازش با

اجتماعی، فیزیکی - کالبدی، کاهش نابرابری‌ها کمی - کیفی میان حوزة‌های شهری - روستایی و رسیدن به اهداف قابل تحقق توسعه ملی، شناخت و تحلیل فضاهای سکونتی به عنوان بستر استقرار انسان از اهمیت وافری برخوردار است (صیدایی و نوروزی، ۱۳۸۹: ۵۴).

در توسعه پایدار مساکن روستایی همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، طراحی، مدیریت مسکن و بافت‌های روستایی مورد توجه قرار می‌گیرد. باید خاطر نشان کرد خاستگاه اصلی و اولیه بسیاری از انسان‌ها، روستا بوده و همواره مطالعه در خصوص عملکرد و مشکلات سکونتگاه‌های روستایی اهمیت داشته است. امروزه که شرایط آشفته روستاها در سیمای جمعیتی آن بروز کرده و خود را نشان می‌دهد، لزوم برنامه‌ریزی و پیش از آن، بررسی و تحلیل همه‌جانبه سکونتگاه‌های روستایی بیش از پیش اهمیت می‌یابد بر این اساس سکونتگاه‌های روستایی را می‌توان بر اساس شکل استقرار و تیپ آنها، عوامل طبیعی نظیر اقلیم، آب و خاک، عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بافت و ریخت و در نتیجه الگوهای فضایی - اجتماعی نشأت گرفته از آن یا حتی براساس میزان توسعه‌یافتگی آنها بررسی و تحلیل کرد.

طرح مساله

پراکنش فضایی مساکن روستایی بر اساس سطوح مختلف جمعیتی و به موازات آن توزیع سکونتگاهها در سطح بخش قابل سکونت زمین به طور همگون صورت نگرفته به گونه‌ای که در برخی از مناطق، نظیر استان‌های شمالی و غربی کشور استقرار سکونت گاهها به صورت متراکم و فشرده است. در عوض در مناطق مرکزی کشور (مانند بخش‌های وسیعی از استان‌های اصفهان، یزد، کرمان و سمنان) روستاهای

کوچک و کم جمعیت با فاصله‌های طولانی بین آبادی‌ها دیده می‌شوند که فضاهای روستایی پراکنده‌ای را تشکیل می‌دهند (امیدی شاه آباد، ۱۳۸۹: ۱). افزون بر این محرومیت و انزوا سهم قابل توجهی از مجموع آبادی‌ها را به خود اختصاص داده و در مجموع سهم آبادی‌های بزرگ ۸,۴ درصد از کل سکونتگاه‌های روستایی بوده (سعیدی، ۱۳۷۵: ۳۲) بر این اساس در سال ۸۵ تنها ۷/۵ درصد سکونتگاه‌های روستایی بیش از ۱۰۰۰ نفر جمعیت داشته‌اند بنابراین، جمعیت روستایی از نظر توسعه در یک محیط ناپایدار و از نظر جغرافیایی در سکونتگاه‌های کوچک و کاملاً پراکنده زندگی می‌کنند، به طوری که بیش از ۶۵ درصد جمعیت روستایی در نقاطی کمتر از ۲۵۰ نفر جمعیت سکونت دارند. این دو ویژگی در جامعه روستایی ایران، یعنی پراکنده بودن مساکن روستایی و کوچک بودن روستاها، موجب شده است که از یک سو آستانه جمعیتی کافی برای ارائه بسیاری خدمات وجود نداشته باشد و از سوی دیگر نه تنها دسترسی روستاها به خدمات سایر نقاط را نیز با مشکل مواجه می‌کند، بلکه ساماندهی فضایی روستاها را نیز با چالش مواجه کرده است. از این رو، آگاهی از، چگونگی پراکندگی فضایی روستاها و روند جمعیتی روستاها دستیابی به شناختی صحیح از ساخت، بافت و الگوهای توزیع فضایی روستاها در سطح کشور، امری مهم برای برنامه‌ریزان به شمار می‌رود.

نابسامانی در عملکرد نظام فضایی استقرارگاههای روستایی استان قم به همراه قطبی شدن استقرار جمعیت، فعالیت و خدمات در کلان شهر قم مشهود می‌باشد. بر این اساس اگر به توان توسعه پذیری نقاط جمعیتی توجه نشود موجب اتلاف منابع و قابلیت‌های منطقه‌ای خواهد شد (مهندسین عمران زاوه، ۱۳۸۲). از

سکونتگاه‌ها در قلمرو جغرافیایی قرار می‌گیرد. هم‌چنین بررسی و مطالعه توزیع مسکن روستایی جایگاه مهمی در توسعه جغرافیای تاریخی و اجتماعی دارد (اسماعیل و نگاه، ۲۰۱۱: ۲).

عوامل مؤثر در استقرار و ایجاد الگوهای فضایی مسکن روستایی

بنیان‌های جغرافیایی (علل و انگیزه‌ها در چگونگی استقرار و شکل‌گیری سکونتگاه‌ها) مؤثر بر نظام استقرار به دو دسته بنیان‌های جغرافیای طبیعی (شامل اقلیم، توپوگرافی، منابع آب، منابع خاک) و بنیان‌های جغرافیای انسانی (شیوه معیشت، وابستگی به سایر بخش‌ها معدن و صنعت، جاذبه‌های گردشگری، راه‌ها و شرایط ویژه مبادلات ارضی) و سایر بنیان‌های جغرافیایی از جمله مسائل قومی، فرهنگی و سیاسی و... تقسیم می‌شوند (آسایش، ۱۳۷۹: ۶۷). و این بنیان‌ها به یک سکونتگاه روستایی از نظر مکانی - فضایی هویتی خاص می‌بخشند و تغییر هر یک از این عوامل می‌تواند اهمیت و نقش هر موقعیت را دگرگون کند (استعلاجی و ولایتی، ۱۳۸۴: ۱۲۵). برخی از این عوامل دارای ویژگی‌های نسبتاً ثابت (عوامل طبیعی) و برخی پویا و در حال تغییر (عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و...) هستند و سهم هر یک از عوامل در مکان‌ها و زمان‌های مختلف متفاوت است. بنابراین، تبیین شکل و نحوه استقرار و در مجموع علت وجودی سکونتگاه‌های روستایی چندان به سادگی امکان‌پذیر نیست. درچنین چارچوبی، تغییر هر یک از این عوامل متنوع می‌تواند به دگرگونی اهمیت و نقش آن در موقعیت منجر شود.

سوی دیگر عدم توجه و باور کافی و نیز عدم شناخت کافی در زمینه روستاهای استان از ابعاد گوناگون می‌تواند منجر به بروز چالش‌هایی از قبیل عدم اجرای عدالت اجتماعی، بروز مخاطرات طبیعی، بیکاری، سالخوردگی جمعیت و معضلات فرهنگی و اجتماعی در شهرها و... می‌گردد. و در آینده موجب تخلیه روستاها از جمعیت می‌گردد. بنابراین انجام هر گونه مطالعه و برنامه‌ریزی به منظور تغییر و تحول در مجموعه‌های روستایی مستلزم بررسی دقیق و دستیابی به شناختی صحیح از ساخت، بافت و الگوی پراکندگی آنها است تا بتوان از این شناخت به ابزاری کارآمد برای اقدامات اجرایی بهره‌جست. به تبع ضرورت‌های فوق، این پژوهش بر آن است تا به مطالعه، شناخت و تحلیل الگوهای استقرار فضایی و اجتماعی مسکن روستایی در استان قم بپردازد. تا علاوه بر عوامل طبیعی مؤثر در استقرار مسکن روستایی، تحولات و تغییرات در ساخت اجتماعی و اقتصادی (در این پژوهش تبدیل نقاط روستایی به شهر و استقرار مراکز اقتصادی و صنعتی و...) در مسکن روستایی حوزه نفوذ این شهرها از حیث تثبیت و نگهداشت جمعیت و کارکرد و ریخت مسکن روستایی مورد بررسی و ارزیابی قرارگیرد.

مبانی نظری

یکی از مهمترین بخش‌های جغرافیای انسانی مطالعه، توزیع و ساماندهی مسکن است به ویژه از این نظر که سکونتگاه‌ها به عنوان مکانی در سطح زمین که ساکنین جوامع در آن استقرار پیدا می‌کنند، مطرح است. از طرف دیگر مسکن به علت جنبه‌های متعدد دیگری با اهمیت هستند زیرا در صورت توسعه مسکن بشر می‌تواند محیط را جهت نیازهای خود مورد اکتشاف قرار دهد. توزیع، الگوها، انواع و اندازه

عوامل طبیعی

الگوی اسکان به خصوص در مساکن روستایی بیش از هر چیزی انعکاسی از ویژگی‌های محیط طبیعی است.

به طور کلی، در بررسی عوامل طبیعی مؤثر در استقرار این گونه سکونتگاهها باید مواردی همچون اشکال ناهمواری (پستی و بلندی)، آب و هوا، پوشش گیاهی و زیست محیط و نهایتاً نحوه دسترسی به منابع آب و خاک را در نظر داشت. نحوه پراکندگی مکانی شبکه آب‌ها، کیفیت خاک‌های در دسترس و مانند آن به نحوی بارز موقعیت سکونتگاه روستایی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و از این طریق، باعث بروز الگوهای خاص شکل‌پذیری می‌شود (سعیدی، ۱۳۸۶: ۵۶). وجود منابع آب سطحی یا زیرزمینی - به ویژه در مناطق خشک و نیمه خشک - و نقش این گونه منابع در ایجاد، گسترش و نیز انتخاب الگوی شکل‌پذیری آنها به وجهی بارز قابل مشاهده و بررسی است. در همین رابطه، حوزه‌های مختلف اقلیمی اهمیت بارزی می‌یابند. مناطق کوهستانی با محدودیت منابع آب و خاک در مقایسه با دشت‌های آبرفتی (بدون بستگی به درجه رشد فرهنگی و شیوه غالب معیشتی گروه‌های انسانی ساکن در آنها) صرفاً به واسطه خاص محیط طبیعی، دافع و مانع تراکم شدید جمعیت هستند. برعکس، دشت‌های آبرفتی جاذبه زیادی برای جذب جمعیت دارند بنابراین می‌توان گفت الگوی سکونتگاهی (و نیز اشکال آنها) تا حد زیادی تابعی از نحوه پراکندگی منابع و پدیده‌های طبیعی است (موسی کاظمی و بدری، ۱۳۸۳: ۱۳۹).

عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی

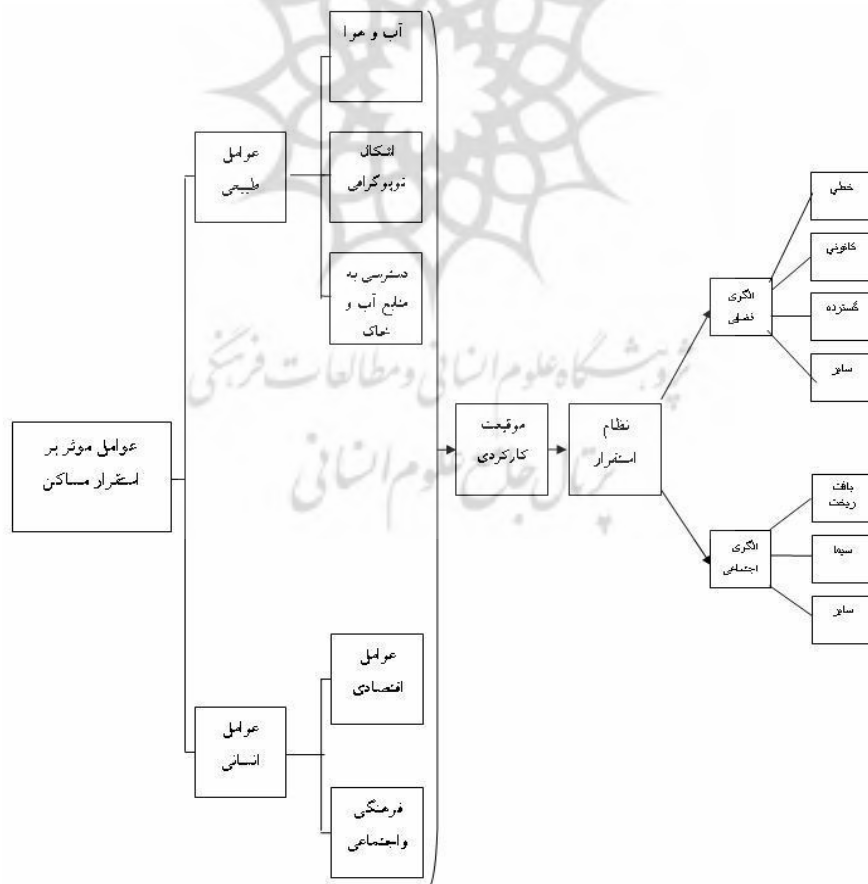
نحوه استقرار مساکن روستایی علاوه بر عوامل طبیعی بر اساس عوامل و انگیزه‌های سازگاری و

امکان پذیر ساختن شیوه‌ی خاص اقتصادی، برخورداری از امکانات ارتباطی، انگیزه‌های سیاسی و مذهبی و انگیزه‌های فرهنگی - مذهبی و... صورت می‌پذیرد.

علاوه بر این، در کنار موقعیت طبیعی که بیشتر گویای عوامل و نیروهای استقراری است، موقعیت کارکردی بر اساس شکل و دامنه روابط و نحوه برآوردن نیازهای ساکنان یک سکونتگاه که بیشتر بر روابط درونی و بیرونی روستاها و عوامل جغرافیای انسانی مشخص می‌شود. این دو موقعیت معمولاً با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند (سعیدی، ۱۳۸۶: ۵۲). تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی غالباً نقش و اهمیت عوامل گوناگون را در شکل دهی و نحوه‌ی استقرار سکونتگاهها تحت تأثیر قرار می‌دهد و این تحولات و تغییر کارکردهای سکونتگاهها باعث رشد و توسعه یا انحطاط آنها می‌شود (همان: ۵۴). جلوه‌های گوناگون این تحولات در عرصه‌های روستایی بر کارکردهای روستایی تأثیر داشته و تنوع کارکردهای سکونتگاهها نه تنها در فعالیت‌ها و روابط درونی روستاها، بلکه در تعیین وسعت و جمعیت و شکل ظاهری و کالبدی آنها نیز عامل تعیین کننده‌ای به شمار می‌آید (سعیدی، ۱۳۷۵). همچنین عوامل اجتماعی، اقتصادی و روانی در ریخت و سیمای مساکن روستایی مؤثر بوده به طور مثال شکل‌های متفاوت روستاهای مجتمع می‌تواند تحت تأثیر مسایل امنیتی و دفاعی باشد. از طرفی، ساخت ارضی و نظام مالکیت در ایران عامل مهمی در ترکیب، اندازه و شکل خارجی مساکن روستاییان بحساب می‌آید. از نظر روانی و دفاعی روستاییان گرایش به پنهان داشتن داخل اطاق محل زندگی خود داشته اند و بنابراین، پنجره‌های کمتری در آن تعبیه نموده اند و از اطاقهای

معمولا در روند دگرگونی‌های زمانی قابل پیگیری هستند، راه یافت. بدین سان، نحوه ساختمان خانه‌ها تا حد زیادی به تبیین و رده‌بندی سکونتگاه‌های روستایی بر اساس گروه‌های اجتماعی ساکنان، قدمت برپایی و تاریخ تکوین سکونتگاه و مانند آن کمک می‌کند. خانه‌های روستایی برای سکنه خود فضاهای لازم برای کار و زندگی، انبار کالاها، اجرای مراسم مذهبی و... را مهیا می‌سازند و در نهایت، کارکردهای مسکن روستایی را تشکیل می‌دهند که این کارکردها نحوه فضابندی و در نهایت، بافت کالبدی مسکن خواهد بود. عوامل مؤثر بر نظام استقرار الگوهای فضایی - اجتماعی مسکن روستایی به صورت مدل نظری ذیل ارائه گردیده است.

داخلی و محفوظ تر برای نگهداری محصولات و حتی در مواردی دام‌های خود استفاده می‌کردند (طالب و عنبری، ۱۳۸۴: ۴۸). نحوه ساختمان خانه‌ها و نوع معیشت، ارتباطات و دامنه روابط، نقش عامل دفاع و فضاهای تعبیه شده در مسکن، هم‌چنین وسعت و مصالح به کار رفته به مسکن چهره خاصی می‌بخشد. بر این اساس، الگوهای خانه‌های روستایی تجلی گاه شیوه‌های زیستی و در نهایت، نیروها و عوامل مؤثر محیطی، اجتماعی و اقتصادی در شکل بخشی به آنها است. بدین ترتیب، از طریق بررسی ویژگی خانه‌های روستایی می‌توان به روابط اقتصادی و هم‌چنین ارزش‌های فرهنگی و آداب و سنن زمان برپایی آنها و نیز شناسایی مراحل بعدی رشد و گسترش آنها که



شکل ۱- عوامل مؤثر بر استقرار الگوهای فضایی - اجتماعی مسکن روستایی

تغییرات در مسکن و سیمای روستایی

در سال‌های اخیر مسکن روستایی و ریخت کلی روستاها در بیشتر مناطق کشور به سرعت در حال تغییر هستند. گاهی این سرعت تغییر به حدی است که در کمتر از یک دهه، سیمای روستا کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد. عوامل مختلفی مانند تغییر در مالکیت اراضی، ورود تکنولوژی جدید تولید، افزایش جمعیت، تغییر نظام خانواده، مجاورت مکانی شهر و روستا، مهاجرت‌های فصلی و هفتگی، طرح‌های عمران روستایی، غلبه الگوی شهرنشینی (تقلید از معماری شهری و استفاده از مصالح معمول و مرسوم در شهر و اشاعه ارزش‌های شهری و شهرنشینی) در تغییرات مسکن روستایی و معماری روستایی مؤثر هستند (طالب و عنبری، ۱۳۸۴: ۴۷-۴۹)

هرگاه در روند تحول و تکامل مکانی - فضایی سکونتگاهها، عوامل مؤثر در آن از لحاظ زمانی و تحت تأثیر نیروهای درونی و بیرونی در تقابل با مکان قرار گیرند، نابسامانی در آنها به وجود می‌آید. در کشور ایران تنوع و گوناگونی در شرایط محیط طبیعی و محیط اجتماعی - فرهنگی، به نوعی از مناسبات و روابط مکانی - فضایی و نظام سلسله مراتبی سکونتگاهها منتهی شده که می‌توان عنوان «دوگانگی فضا» در قالب قطب (نقاط شهری) و پیرامون (حوزه‌های روستایی) را بر آن اطلاق نمود پیامد این شرایط، تضعیف روبه‌تزايد فضاهاى روستایی و قطبی شدن جمعیت، فعالیت‌ها و امکانات در شهرها شد. این در حالی بود که عرصه‌های روستایی علیرغم دارا بودن امکانات مورد نیاز، رشد و توسعه نیافتند و در نهایت چنین شرایطی منجر به شکل‌گیری نابسامانی در عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی و سازمان فضایی

سکونتگاه‌های روستایی گردید. به طوری که، عدم بالندگی نیروهای مولد و روابط تولیدی، مهاجرت‌های شدید از نقاط روستایی به شهرها، عدم تعادل در ساختار فضایی سرزمین و قطبی شدن جمعیت و فعالیت‌ها و تأسیسات زیربنایی در شهرها و محدوده‌های معین، عدم وجود سلسله مراتب منظم و منطقی در مرتبه و اندازه سکونتگاهها، تخلیه بی‌رویه روستاها، عدم گسترش فعالیت‌های اقتصادی غیرکشاورزی در روستاها، تسلط و تقدم شهرها بر فضاهاى روستایی و عدم بهره‌برداری مناسب از امکانات و تخریب محیط زیست از مهمترین آنها می‌باشند بعلاوه، نابسامانی در عملکرد نظام فضایی استقرارگاههای زیستی در ایران به دلیل وسعت زیاد، تنوع اقلیم و عوارض طبیعی فراوان به همراه تنوع پراکندگی منابع اقتصادی و محدودیت آب و خاک است، که موجب پیدایش شرایط متنوع در جهات مختلف جغرافیایی آن گشته و سبب توزیع غیرهمگن و ناموزون جمعیت کشور شده و باعث گردیده تا نظام فضایی استقرار سکونتگاه‌های روستایی کشور از نظم منطقی و معقولی برخوردار نباشد و مسائلی را از قبیل تعدد، پراکندگی و پائین بودن جمعیت سکونتگاه‌های روستایی، تخلیه و کاهش تعداد سکونتگاه‌های روستایی و نابسامانی در نحوه استقرار و... را به وجود آورد. چگونگی وضعیت مسأله و موقعیت نامعین نظام فضایی کشور و فقدان وجود مراکز سطوح میانه و مراکز سطوح پائین سلسله مراتب نقاط مرکزی که از نظر کارکردی یکپارچه باشند به روشنی نیاز به نوعی اصلاح در الگوهای استقرار کانون‌های زیستی و سازمان فضایی آنها است. این اصلاح از

طریق برنامه‌ریزی فضایی میسر خواهد شد
(http://n-shafiei.persianblog.ir/1385_10/16.)

الگوهای استقرار مسکن روستایی

انواع اصلی روستاها: بر مبنای نحوه استقرار و شکل پذیری مسکن روستایی، می توان بافت روستاها را به دو نوع روستاهای متفرق یا پراکنده و روستاهای مجتمع یا گرد آمده تقسیم بندی کرد. به طور کلی، عوامل گوناگونی مانند وجود شرایط مناسب محیطی به ویژه وجود منابع کافی آب و سهولت دسترسی به آن، رواج بهره برداری خصوصی و خانوادگی از منابع آب و خاک، رواج و رونق دامداری و دامپروری در کنار زراعت، وجود امنیت نسبی، وجود زمین‌های کوهستانی و وسعت و یکپارچگی زمین‌های زراعی در تفرق (پراکندگی) مسکن روستایی مؤثر می‌باشند. در مقابل عوامل مؤثر بر تجمع مسکن را باید بیشتر در جنبه‌های تاریخی سکونت‌گزینی و نیز تمایل اجتماعی زیستی گروه‌های انسانی جستجو نمود، هرچند در این رابطه نیز بر حسب زمان و مکان عوامل گوناگونی مانند محدودیت عامل تولیدی آب، ضرورت کارجمعی به منظور هدایت و بهره‌برداری از آب و نیز کشت خاک، پیوندهای قومی - طایفه‌ای، نقش عامل ارث، دفاع در برابر تهدیدات بیرونی و ملاحظات سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک چهره می‌نمایند. در برابر این دو الگوی اصلی الگوهای بینابینی مسکن روستایی مطرح است که مطابق آن خانه‌های روستایی در فاصله کم و بیش زیاد نسبت به یکدیگر یا به صورت گروه‌های کوچک خانه‌های دور از هم مستقر شده‌اند (سعیدی، ۱۳۷۵: ۱۲۱).

به طور کلی، الگوهای استقرار فضایی سکونتگاه‌های روستایی را می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

الگوی استقرار خطی: در این الگو مسکن به صورت ردیفی در طول یک محور استقرار یافته‌اند که این محور غالباً یا از خطوط طبیعی (دره‌ها، مسیر رودخانه‌ها، حاشیه تراس‌ها) و یا از خطوط مصنوعی مانند شبکه‌های ارتباطی پیروی می‌کنند. بدین ترتیب روستای با الگوی خطی روستایی است که از یک یا دو ردیف موازی از خانه‌ها تشکیل شده باشد. اگر این ردیف‌ها به صورت خط مستقیم، کوتاه و متراکم باشد، روستای مورد نظر دارای الگوی خطی کوچه‌ای خواهد بود. اگر دو ردیف مورد نظر یکدیگر را قطع کنند، آن را روستای با الگوی خطی منقطع می‌نامند که این نوع الگو خود شکل گذار به الگوی صفحه‌ای به حساب می‌آید. در ارتباط با نوع بافت و کارکرد، روستاهای خطی انواع مختلفی دارند که با اصطلاحات و مفاهیم خاصی از آن یاد می‌شود.

الگوی استقرار کانونی یا میدانه‌ای (دایره‌ای): اصطلاحی عام برای انواع گوناگون سکونتگاه‌های روستایی است که پیرامون یک عامل طبیعی (سد، دریاچه و...) یا عامل انسانی (شهر مرکزی) پراکنده باشند. به عبارتی انواع گوناگون مسکن که مرکز آنها را میدانه‌ای یا مکان عمومی‌ای تشکیل می‌دهد که خانه‌ها گرداگرد آن قرار می‌گیرند. منظور از میدان‌گاه، سطح زمین مرکزی است که در اختیار و تصرف جمعی و عمومی قرار دارد و کارکردهای کوناگونی را در ارتباط با زندگی اجتماعی - اقتصادی روستایی برآورده می‌سازد. متداولترین شکل روستای با میدان مرکزی، روستای دارای آرایش دایره‌ای است.

روستاهای صفحه‌ای منظم درآمده است (سعیدی، ۱۳۸۶: ۶۵).

پیشینه پژوهش

طالب و عنبری (۱۳۸۴) مسکن روستایی را دارای دو جنبه بیرونی و داخلی می‌دانند که جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و جغرافیادانان هر یک به شکل‌های مختلف به ابعاد بیرونی و داخلی مسکن پرداخته‌اند. در دوره‌ای که روستاییان در انزوای مطلق یا نسبی به سر می‌برند و ارتباطات کمی با شهر و محیط اطراف داشتند، عوامل طبیعی و جغرافیایی نقش عمده‌ای را در شکل داخلی و خارجی مسکن روستایی و در نتیجه ریخت کلی روستاها داشته‌اند. در همین دوره، تفاوت ریخت مسکن و سیمای کلی روستاها در دو منطقه‌ای دارای تشابه جغرافیایی و تفاوت فرهنگی، موید تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بوده است و همین امر موجب شده است که از عوامل جغرافیایی نه به عنوان عامل تعیین‌کننده بلکه به عنوان عامل مهم و مؤثر در ریخت مسکن روستایی یاد شود. بر این اساس پژوهشگران مذکور مجموعه‌ایی از عوامل جغرافیایی، طبیعی و اجتماعی و فرهنگی را در شکل و ریخت سکونتگاه‌های روستایی مؤثر دانسته‌اند (طالب و عنبری، ۱۳۸۴: ۴۸).

استعلاجی و قدیری معصوم (۱۳۸۴) در پژوهش خود نشان داده‌اند که ساختار نظام استقرار سکونتگاه‌های روستایی ضمن تأثیر پذیری از بنیان‌های انسانی در ارتباط با بنیان‌های طبیعی شکل گرفته‌اند و بین تپ اراضی و توزیع سکونتگاه‌ها همبستگی مستقیم و معنی‌دار و بین طبقات ارتفاعی و توزیع سکونتگاه‌ها همبستگی معکوس و معنی‌دار وجود دارد. هم‌چنین یافته‌ها در کنار بنیان‌های طبیعی و

الگوی استقرار گسترده: رایج‌ترین انواع الگوهای کالبدی مسکن روستایی، دارای زیربنای کالبدی نامنظم و مسطح (صفحه‌ای) بوده در این گونه سکونت‌گاه‌ها ممکن است مسیر خیابان یا معابر محلی، ستاره‌ای شکل، تودرتو و نامنظم، به صورت کوچه‌های بن بست و یا غیر آن باشد. شکل رایج زمین‌های زراعی در این گونه روستاها، الگوهای بلوک مانند یا زمین‌های پراکنده نواری شکل است. وجود روستاهای پراکنده در دشت‌ها با توجه به شرایط پراکندگی منابع آب و وجود اراضی مناسب، صورت می‌پذیرد. همچنین وجود محدودیت‌های ذاتی در محیط طبیعی (موانع طبیعی، وضعیت جغرافیایی، کمبود آب و...) نیز موجب محدودیت در شیوه‌ی معاش اجتماعات یکجانشین روستایی شده و گسترش اجتماعات پراکنده روستایی را در جهت دستیابی به فرصت‌های مناسب معیشتی موجب می‌شود (هاشمی کوچسرای، ۱۳۷۵: ۵۶۱). این نوع سکونتگاه‌ها همچنین در مناطقی که عشایر اسکان یافته‌اند بیش از دیگر انواع مشاهده می‌شود.

انواع گونه‌های کالبدی مذکور در واقع نماینگر گونه‌های اصلی است که در میان آنها الگوهای ترکیبی، ستاره‌ای (شعاعی)، هلالی (نعلی شکل) که نشان‌دهنده گذر از یک مرحله به مرحله دیگر است نیز دیده می‌شود. گسترش بعدی سکونتگاه‌های روستایی ممکن است الگوی اولیه را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. برای نمونه روستاهای دایره‌ای (کانونی) پس از گسترش فیزیکی نامنظم و تغییراتی در کانون مرکزی آن، به صورت روستاهای تلی یا خطی یا به واسطه گسترش در جهت محورهای اصلی خاص، به صورت

منطقه مورد تحقیق دانسته‌اند (YuTao, Ging, Wen- 2009, Yun).

اسماعیل و نگاه (۲۰۱۱) در پژوهش خود به بررسی الگوهای توزیع فضایی سکونتگاه‌های روستایی منطقه شاکلاوا ناحیه کردستان عراق پرداخته و الگوی غالب را حرکت تدریجی به سمت الگوی خوشه‌ای نشان داده و اعمال برنامه‌های توسعه روستایی توسط حکومت محلی و ملی و اتخاذ تدابیر مناسب جهت توسعه سکونتگاه‌ها را پیشنهاد داده‌اند (Ismael and Ngah, 2011, 10).

نتایج تحقیق عنابستانی (۲۰۱۱) استفاده بهینه از منابع آبی، حمایت از اقتصاد روستایی، مدیریت مزارع، تصمیم‌گیری درخصوص الگوهای کشاورزی و اصلاح الگوی مصرف آب از جمله عوامل مؤثر بر پایداری سکونتگاه‌های روستاهای شهر سبزوار معرفی کرده است (Anabstani, 2011: 89). نامبرده در تحقیق دیگری نشان می‌دهد که فعالیت‌های اقتصادی روستاییان در شکل‌گیری الگوهای مسکن روستایی در محدوده‌ی خراسان رضوی به ویژه در نحوه‌ی آرایش فضایی عناصر کالبدی داخل مسکن و در پاره‌ای از موارد بر شکل و سیمای ظاهری آنها اثرات ماندگاری برجای گذاشته است، که از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر متفاوت خواهد بود (عنابستانی، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

نتایج به دست آمده از پژوهش پوراحمد و سلطانی (۱۳۸۳) نشان می‌دهد که رشد کم و حتی کمتر از صفر جمعیت روستاها همراه با خطرات خشکسالی و کم آبی و پایین بودن سطح درآمد و امکانات و خدمات روستاها به ویژه روستاهای کوچک نسبت به جوامع شهری و بزرگتر، در آینده نه چندان دور باعث ایجاد

انسانی موقعیت کارکردی سکونتگاه‌های روستایی را در نظام استقرار مؤثر دانسته است (استعلامی و قدیری معصوم، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

اکبر اقلی و ولایتی (۱۳۸۶) در بررسی جایگاه عوامل طبیعی در استقرار سکونتگاه‌های روستایی ارتفاعات کپه داغ به این نتیجه رسیده‌اند که خاک و منابع آب به ویژه چشمه‌ها جزو عوامل مهم در پراکنش روستاهای منطقه هستند (اکبر اقلی و ولایتی، ۱۳۸۶: ۴۵).

کلانتری و همکاران (۲۰۰۸) آستانه جمعیتی ناکافی در بسیاری از سکونتگاه‌های روستایی را به عنوان مهمترین چالش‌های اساسی توسعه پایدار اجتماعی در مناطق روستایی ایران نشان داده‌اند. به گونه‌ای که در بین چالش‌های توسعه پایدار اجتماعی این پژوهش، این عامل مهمتر از عامل کمبود فرصت‌های شغلی برای جوانان روستایی از نظر کارشناسان توسعه روستایی معرفی شده است (کلانتری و همکاران، ۲۰۰۸: ۷۲۶).

تائو یو و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه خود با عنوان توزیع فضایی روستایی در چین بر اساس مدیریت برنامه ریزی یکپارچه شهری - روستایی به این نتیجه دست یافته‌اند که همراه با توسعه شتابان شهرنشینی و توسعه صنعتی در چین قریب به اتفاق فضاها روستایی به ویژه مناطق توسعه یافته روستایی از حیث کارکردها و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی با تنگناهای جدیدی مواجه شده‌اند و راه برون رفت از این تنگناها را ارتقای تعامل مثبت بین مناطق شهری و روستایی به عنوان یک چشم انداز جدید در بررسی توزیع و پراکنش فضایی روستایی بر اساس مدیریت برنامه‌ریزی هماهنگ و یکپارچه شهری و روستایی در

استقرار اشاره گردیده است. همچنین این نوشتار تلاش دارد که نقش وجود مراکز خدمات رسانی در قالب تبدیل شدن نقاط روستایی به شهر (استقرار مراکز اقتصادی و صنعتی) در تغییرات مسکن سیمای روستایی (تثبیت و نگهداشت جمعیت روستایی و جمعیت خود این شهرها) مورد کنکاش و ارزیابی قرار دهد. بدیهی است در این رهگذر توزیع فضایی مسکن روستایی به تفکیک بخش نیز مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

معرفی کلی قلمرو تحقیق

استان قم تقریباً در مرکز ایران قرار دارد و از شمال به استان تهران، از شرق به استان سمنان، از جنوب به استان اصفهان و از غرب به استان مرکزی محدود می‌باشد و در غرب دریاچه نمک واقع شده استان قم با وسعت ۱۱۵۲۶ کیلومتر مربع و ۰/۷ درصد از مساحت کل کشور بین مختصات جغرافیایی ۵۰ درجه و ۶ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ و ۳۴ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۱ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا واقع شده است. استان قم از نظر تقسیمات کشوری در سال ۱۳۸۸ دارای یک شهرستان، ۵ بخش، ۶ شهر، ۹ دهستان و ۹۲۶ نقطه روستایی بوده که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد ۳۳۲ نقطه آبادی اصلی که ۲۲۹ نقطه دارای سکنه می‌باشد. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت ساکن استان برابر با ۱۰۴۶۷۳۷ نفر بوده که از این تعداد ۹۸۳۰۹۴ نفر شهری و ۶۳۳۶۳۹ نفر در مناطق روستایی سکونت دارند. با در نظر گرفتن سه شاخص عمده آب و هوایی یعنی رطوبت، گرما و سرما می‌توان گستره استان را از نظر تقسیمات اقلیمی به ۳ پهنه اقلیمی

بحران در زمینه کشاورزی و اقتصاد روستایی و معضلات شهری و برهم خورد ساختار فضایی و مکانی سکونتگاه‌ها و در نتیجه امنیت پایدار ملی خواهد شد (پوراحمد و سلطانی، ۱۳۸۳).

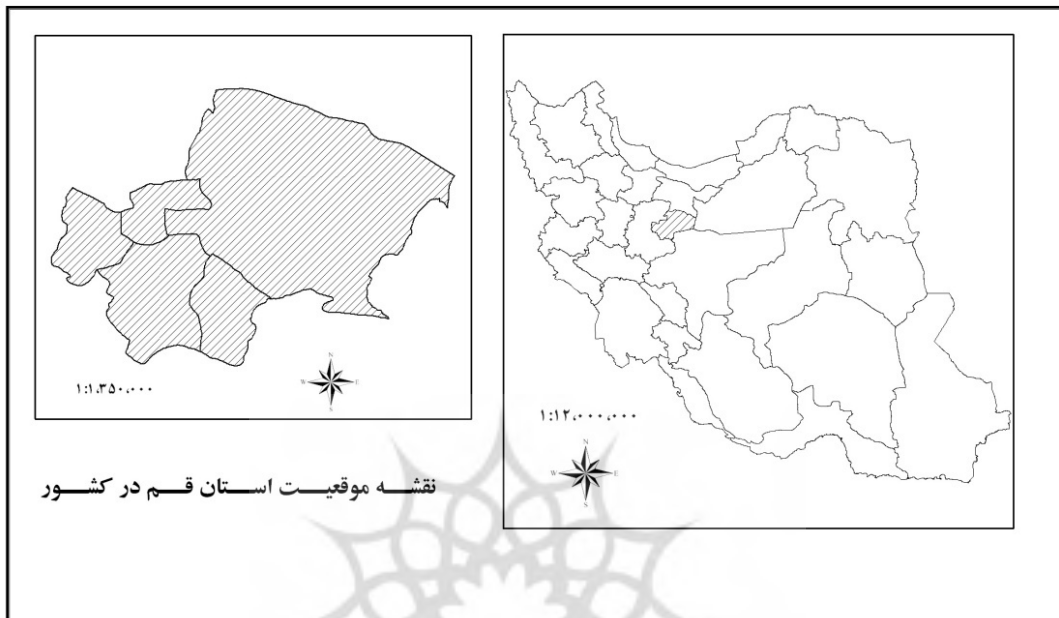
صیدایی و نوروزی اورگانی (۱۳۸۹) نقش عوامل مؤثر بر الگوهای استقرار فضایی سکونتگاه‌های روستایی استان چهارمحال و بختیاری را تحلیل و عوامل طبیعی (ناهمواری‌ها، اقلیم و رودخانه‌ها) و عوامل انسانی (ساختار و سازمان اجتماعی ایلات و عشایر و مالکیت آنان) در استقرار و پراکنش آنان (به صورت خطی) مؤثر دانسته‌اند (صیدایی و نوروزی، ۱۳۸۹: ۵۳). لازم به ذکر است در این پژوهش اطلاعات اخذ شده برای ترسیم نقشه‌ها مربوط به آخرین لایه‌های اطلاعاتی مربوط به سرشماری ۱۳۸۵ است که در مرحله اول در نرم افزار Excel، و سپس در بسته نرم افزار GIS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق این پژوهش توصیفی و تحلیلی است و جمع‌آوری داده‌های آن به صورت اسنادی و میدانی می‌باشد. در انجام مطالعات ابتدا اطلاعات موجود در مورد موضوع و منطقه از کتب، اسناد، مجلات، نقشه‌های پایه و آمارنامه‌ها جمع‌آوری و سپس اطلاعات مورد نیاز استان از طریق مطالعات میدانی شامل مشاهده، مصاحبه و مراجعه به منطقه مذکور تهیه گردید. در ادامه از روش فرایندی با استفاده از رایانه و در محیط نرم افزاری GIS تجزیه و تحلیل، جمع‌بندی، تلفیق و ترکیب لایه‌های اطلاعاتی صورت گرفت. بعد از این مرحله نقش عوامل مؤثر بر الگوهای استقرار فضایی سکونتگاه‌های روستایی استان قم تحلیل و در پایان به تبیین مهمترین الگوهای کلی

استان قم در سه پهنه اکولوژیک مشخص روستاهای واقع در نواحی کوهستانی، نواحی دشت و نواحی کوهپایه‌ای استقرار یافته‌اند.

کلان نیمه مرطوب، نیمه خشک و خشک که بعضاً دارای زیر اقلیم‌های دیگری نیز می‌باشد، طبقه بندی نمود. از نظر ویژگی‌های اکولوژیک فضاها روستایی



شکل ۲- موقعیت استان و شهرستان و بخش‌های قم در کشور و استان

روش انجام کار

تقسیمات اداری سیاسی، توپوگرافی، شبکه‌های ارتباطی، هیدرولوژی، پهنه بندی اقلیمی و سایر عوامل و پدیده‌های انسانی و طبیعی شده است.

- ترکیب نقشه‌های مذکور با نقشه ی پراکندگی

سکونتگاه‌ها و تحلیل آنها (مراحل شش گانه زیر):

- ۱- روی هم گذاری نقشه‌های سکونتگاه‌های روستایی و ارتفاع (شکل ۳)، ۲- روی هم گذاری نقشه سکونتگاه‌های روستایی و منابع آب (شکل ۴)،
- ۳- روی هم گذاری نقشه سکونتگاه‌های روستایی با لایه چشمه‌های طبیعی (شکل ۵)، ۴- روی هم گذاری نقشه سکونتگاه‌های روستایی با لایه قنات (شکل ۶)،
- ۵- روی هم گذاری نقشه سکونتگاه‌های روستایی با لایه چاه‌های حفاری شده (شکل ۷)، ۶- روی هم

- استخراج و تحلیل داده‌ها و یافته‌های شناسنامه

آبادی‌های قم بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵

- تشکیل پایگاه اطلاعات سکونتگاه‌های روستایی

استان : در این مرحله نقشه ی پراکندگی سکونتگاه‌های استان (شکل ۲) در نرم افزارهای GIS ترسیم و داده‌های مهمی شامل موقعیت، جمعیت، نام سکونتگاه و... در آن ذخیره گردید.

- با توجه به نقش عوامل مهمی همچون

توپوگرافی، شبکه راه‌ها، منابع آب، وضعیت اقلیمی و ... در تبیین الگوهای فضایی سکونتگاه‌های روستایی اقدام به تهیه و ترسیم لایه‌های مختلف نقشه‌های

تغییرات در ساخت‌های اجتماعی و اقتصادی به منظور بررسی الگوهای حاصل شده از تحولات فضایی که عمدتاً در قالب الگوهای اجتماعی قرار می‌گیرد، دارد. اگر چه تثبیت و نگهداشت جمعیت روستایی و توسعه خود این شهرها با توجه به ویژگی‌ها و شرایط خاص استان قم را نیز بررسی می‌کند.

بررسی نحوه توزیع فضایی سکونتگاه‌های روستایی استان بر اساس وضعیت طبیعی آنها نشان از استقرار سکونتگاه‌ها در سه وضعیت طبیعی جلگه‌ای، کوهستانی و کوهستانی جلگه‌ای دارد که عمده آن مربوط به روستاهای جلگه‌ای است (جدول ۱).

گذاری نقشه سکونتگاه‌های روستایی با لایه راه‌های ارتباطی (شکل ۸) ۶- محدوده شهرهای استان با نقشه پراکنندگی سکونتگاه‌های روستایی تا شعاع ده کیلومتری (شکل ۹).

تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

در این بخش‌ها از مقاله با استفاده از داده‌ها و یافته‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن به بررسی داده‌ها و یافته‌های اخذ شده و نیز تحلیل وضعیت نقشه‌ها در مورد نظام استقرار سکونتگاه‌های روستایی و عوامل مؤثر بر آن پرداخته می‌شود. مضافاً این نوشتار اشارتی نیز به ارتقاء سکونتگاه‌های روستایی به شهرهای کوچک از منظر تأثیرات و

جدول ۱- بررسی نحوه استقرار مسکن روستایی استان بر اساس وضع طبیعی آبادی‌ها

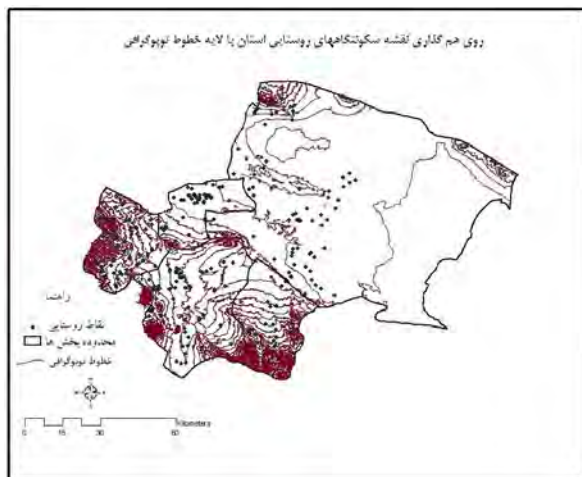
وضع طبیعی آبادی	جلگه‌ای	کوهستانی	کوهستانی و جلگه‌ای	سایر
تعداد روستاها	۱۱۷	۵۱	۳۴	۱۰
درصد از کل	۵۲٫۷	۲۲٫۹	۱۵٫۳	۴٫۵

شبکه آبراه‌ها قرار گرفته اند بر اساس مطالعات و مشاهدات میدانی نگارندگان از روستاهای استان شبکه آبراهه نقش مهمی در نحوه استقرار سکونتگاه‌های روستایی استان داشته است. این موضوع باعث شده است که اکثر روستاها با تأثیر پذیری از شبکه آبراهه‌ها الگوی خطی را دنبال کنند (مطالعات میدانی ۱۳۸۹).

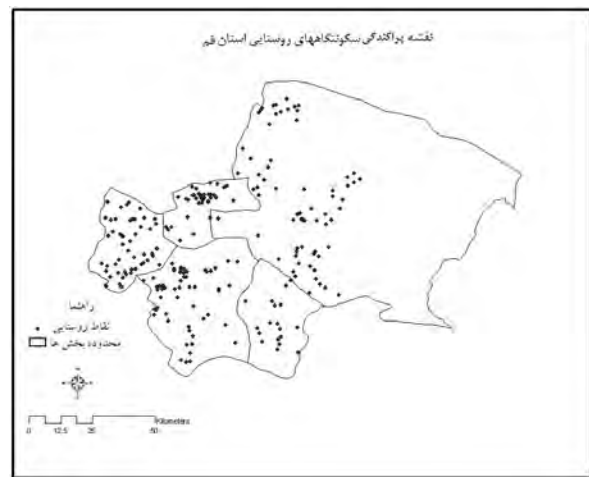
به منظور بررسی نقش شبکه آبراهه در نحوه توزیع و استقرار مسکن روستایی استان داده‌های جدول ۲ تهیه گردیده است. این داده‌ها وضعیت استقرار سکونتگاه‌های روستایی استان را بر اساس مجاورت با شبکه آبراهه نشان می‌دهد. بر این اساس حدود ۶۰ درصد از مسکن روستایی در فاصله ۱ کیلومتری

جدول ۲- وضعیت استقرار سکونتگاه‌های روستایی استان بر اساس مجاورت با شبکه آبراهه

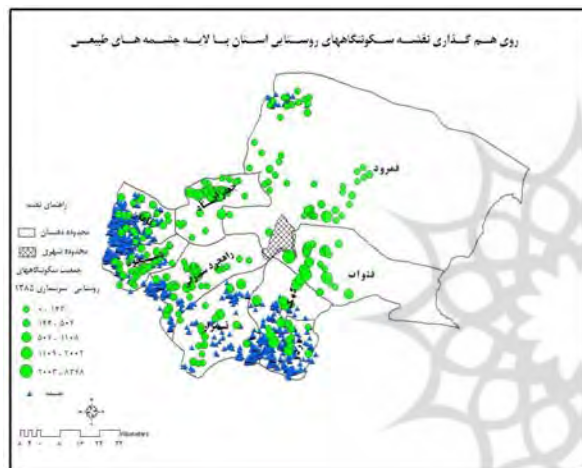
فاصله از شبکه آبراهه (متر)	تا ۵۰۰	۵۰۰-۱۰۰۰	۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰	۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰	+۳۰۰۰
تعداد (روستا)	۷۴	۶۱	۴۳	۳۰	۱۴
درصد از کل	۳۳٫۳	۲۷٫۴	۱۹٫۳	۱۳٫۳	۶٫۳



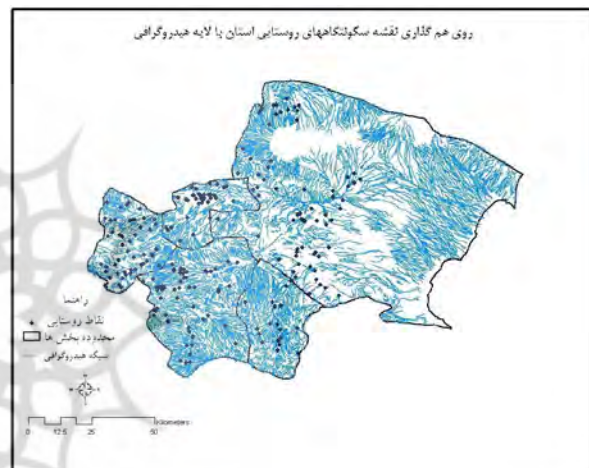
شکل ۳- نقشه توپوگرافی سکونتگاه‌های روستایی



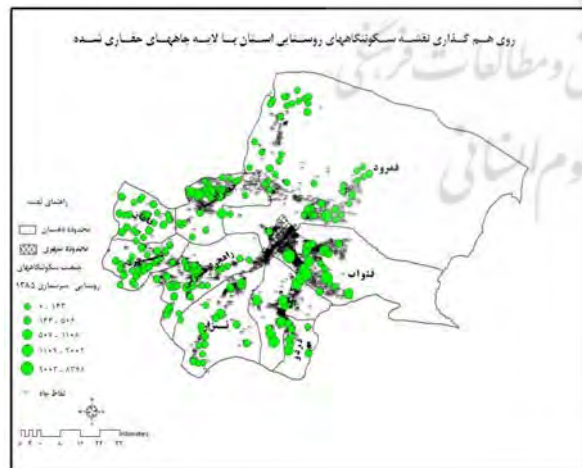
شکل ۲- نقشه پراکنده‌گی سکونتگاه‌های روستایی



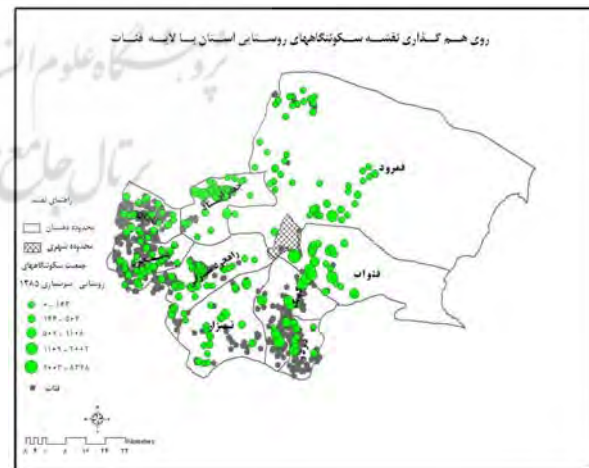
شکل ۵- نقشه چشمه‌های طبیعی سکونتگاه‌های روستایی



شکل ۴- نقشه هیدروگرافی سکونتگاه‌های روستایی



شکل ۷- نقشه چاه‌های حفاری شده سکونتگاه‌های روستایی



شکل ۶- نقشه چاهات سکونتگاه‌های روستایی



شکل ۸- نقشه خطوط ارتباطی سکونتگاه‌های روستایی

بوده است. بر این اساس در نواحی جنوب استان بالاترین ارتفاع ۳۰۰۰ متر بوده که در حال حاضر از ارتفاع ۲۲۰۰ متر به بالا آبادی دارای سکنه ملاحظه نمی‌گردد. در شمال غرب استان نیز بالاترین ارتفاع آن ۲۸۵۰ متر است که تا ارتفاع ۲۲۰۰ متر سکونتگاه دارای جمعیتی مشاهده نمی‌شود (شکل ۳).

از سوی دیگر میزان بارندگی در این نواحی اندکی بیشتر از دشت قم است و به بیش از ۲۵۰ میلی‌متر در سال می‌رسد از این رو اراضی کشاورزی به صورت پراکنده و کوچک در کناردره‌ها استقرار یافته‌اند. با توجه به شکل ۴ ارتباط نزدیکی بین منابع آب و استقرار آبادی‌ها در ناحیه کوهستانی به سمت کوهپایه‌ای استان وجود دارد که از جمله عوامل مهم و مکان اولیه استقرار روستاها در این بخش‌ها بوده است. منابع آب در این نواحی عمدتاً شامل جریان‌های آب سطحی از طریق شق انهار و تا حدودی آب‌های زیرزمینی، به وسیله چشمه است. بر اساس اشکال ۵ و ۶ شماره بسیاری از آبادی‌ها به صورت خطی و به شکل دانه‌های تسبیح در کنار شبکه رودخانه‌های ملی

نظام استقرار و ویژگی اکولوژیک فضاها روستایی استان

نحوه استقرار روستاها در استان قم حاکی از نوعی سلسله مراتب طبیعی است این سلسله مراتب سبب گردیده تا نحوه استقرار خدمات و زیرساخت‌ها از این سلسله مراتب تبعیت کند به طوریکه سکونتگاه‌های روستایی استان قم در سه پهنه اکولوژیکی کوهستانی، دشتی و کوهپایه‌ای قرار گرفته‌اند. بنابراین، در توزیع سکونتگاه‌های استان ویژگی‌های جغرافیای طبیعی نقش مهمی ایفا می‌کند. پراکندگی سکونتگاه‌های روستایی استان در شکل ۲ نمایش داده شده است.

نظام استقرار روستاهای واقع در نواحی کوهستانی

در نواحی کوهستانی واقع در غرب استان شامل بخش عمده‌ای از بخش خلیجستان و در نواحی واقع در جنوب استان مشتمل بر بخش‌های عمده‌ای از کهک و همچنین بخش کوچکی از دهستان نیزازار (از بخش سلفچگان) عامل ارتفاع و شیب (ناهمواری‌ها) عامل محدود کننده‌ای در استقرار فضایی سکونتگاه‌ها

این نواحی عمدتاً شامل جریان‌های آب سطحی از طریق شق‌انهار و تا حدودی آب‌های زیرزمینی، به وسیله چشمه است. باغداری و کشاورزی همراه با نگهداری دام عمده‌ترین فعالیت معیشتی روستاییان این نواحی محسوب می‌شود. وجود منابع آب و اراضی کوچک کشاورزی، سبب شکل‌گیری تعداد زیادی روستا با جمعیت‌های کم در این ناحیه شده است. وجود باغ‌های مشجر میوه، دمای مطلوب هوا در تابستان به این نقاط کارکرد بی‌یلاقی داده است و در گذشته دور نیز این نواحی بی‌یلاق عشایر محسوب می‌شده است. در این میان نواحی کوهستانی دهستان‌های فردو و کهک که دسترسی مناسبی با کلان‌شهر قم دارند به عنوان منطقه گذران اوقات فراغت روزانه و فصلی مردم این شهر محسوب می‌گردند. اراضی این ناحیه به علت کوهستانی بودن و شیب تند بایر بوده و از نظر آبخیزداری باید تمهیداتی برای آنها اندیشید (مطالعات میدانی، ۱۳۸۹).

نظام استقرار روستاهای واقع در نواحی کوهپایه‌ای

بخش وسیعی از اراضی دهستان راهجرد (بخش مرکزی) و نیزار واقع در مرکز و غرب استان و بخش کوچکی از دهستان کهک (بخش نوفل‌لوشاتو)، دستجرد و قاهان (بخش خلیجستان) و اراضی شمال دهستان قمرود (بخش مرکزی) در این ناحیه قرار دارد. این اراضی در حد فاصل نواحی کوهستانی و دشت قم واقع شده‌اند و اراضی آن از تپه‌ماهورهای کوچک با ارتفاع کم تشکیل شده‌اند. شیب اراضی کم تا متوسط است.

منابع آب منطقه بیشتر چشمه و چاه است. اراضی کشاورزی نامطلوب و در قطعات کوچک مشاهده می‌شود. به دلیل محدودیت اراضی کشاورزی، بخش‌های وسیعی از این ناحیه خالی از سکنه و تعداد

و قنات و چشمه‌ها استقرار یافته‌اند. این الگو در نواحی کوهستانی بیشتر خود نمایی می‌کند. بنابراین، نحوه استقرار آبادی‌ها در قسمت‌های غربی استان که بخش خلیجستان را در بر می‌گیرد از این الگو پیروی می‌کند. قسمت‌های جنوبی خلیجستان دارای ارتفاع بین ۲۵۰۰-۱۵۰۰ متر است، که البته هرچه از غرب به سمت شرق حرکت کنیم از میزان ارتفاع کاسته می‌شود. عوامل عمده استقرار در بخش خلیجستان عبارتند از قنات، چشمه، چاه، رودخانه و اراضی کشاورزی (عوامل طبیعی اقتصادی) و هم‌چنین وجود مراکز خدمات‌رسانی (عوامل مصنوعی اقتصادی) در نقش مرکزیت روستاهای اصلی حوزه به عنوان نقاط اداری و سیاسی حوزه که الزاماً کلیه فعالیت‌های تجاری، روابط داد و ستد و مبادلات کالا و خدمات را به عهده دارند مؤثر است. اکثر آبادی‌های خلیجستان به ترتیب درجه اهمیت در کوهپایه، دشت و دره استقرار یافته‌اند. ضمناً نظام استقرار روستاها در بخش خلیجستان خطی - خوشه‌ای است.

هم‌چنین عوامل عمده استقرار آبادی‌ها در بخش کهک که عمدتاً در نواحی کوهستانی جنوب استان قرار دارند عبارتند از قنات، چشمه، چاه، رودخانه و جاده است. آبادی‌های این بخش عموماً در ناحیه کوهستانی استقرار یافته‌اند، وجود اراضی کشاورزی و منابع آب‌های سطحی و زیر سطحی عامل مهم نظام استقرار در بخش کهک است. با توجه به شکل نظام استقرار روستاها در بخش کهک و هم‌چنین بخش کوچکی از دهستان نیزار (نواحی کوهستانی) به صورت خطی است (اشکال ۴، ۶، ۵ و ۷).

بر اساس مشاهدات میدانی اراضی کشاورزی این نواحی به صورت پراکنده و کوچک بوده و عمدتاً در کنار دره‌ها استقرار یافته‌اند. هم‌چنین منابع آب در

رودخانه قره چای که از دشت گازران در بخش جعفرآباد می‌گذرد به ترتیب موجب غنی ترشدن آبهای سطحی و زیرزمینی و حاصلخیزی خاک این منطقه شده و در استقرار سکونتگاه‌های این منطقه مؤثر بوده اند.

در سال‌های اخیر احداث سد ساوه در بالادست رودخانه قره چای باعث شده از ورود آب رودخانه مذکور به نواحی شمال قم و نواحی دشتی جعفریه جلوگیری به عمل آید این تغییرات باعث کاهش سطح آبهای زیرزمینی، خشک شدن قنات‌ها و در پی آن تخریب زمین‌های کشاورزی در بلند مدت می‌گردد که در تخلیه سکونتگاه‌های روستایی منطقه نیز تأثیر به سزایی دارد.

بر اساس مشاهدات میدانی در ارتباط با بخشی از نواحی کویری قم و دشت مسیله که راه ورود به کویر است در حال حاضر با تغییر چشم انداز و تخریب زیستگاه‌های گیاهی و جانوری روبرو می‌باشد و در این ارتباط برخی سکونتگاه‌های روستایی که حدود ۲۰ تا ۲۵ سال پیش دارای سکنه بوده‌اند تخلیه گردیده اند. هم چنین بخش کوچکی از دشت مسیله که در گذشته‌های نه چندان دور به عنوان چراگاه زمستانی عشایر مختلف بوده هم اکنون به دلیل تخریب مراتع عشایر در این منطقه رفت و آمدی ندارند. همچنین زمینه‌های اصلی فعالیت در این نواحی را فعالیت‌های دامداری به ویژه شترداری و صنایع دستی تشکیل داده است که امروزه با تنگنمایی از لحاظ تغییر چشم انداز و تخریب زیستگاه‌ها مواجه است (مطالعات میدانی ۱۳۸۹).

به طور کلی، عوامل عمده استقرار سکونتگاه‌های روستایی بخش مرکزی عبارت از قنات، رودخانه، چشمه و در مواردی راه‌های ارتباطی است بر اساس

روستاهای محدودی در آن شکل گرفته‌اند. مطالعات میدانی در منطقه نیز موارد فوق را تایید می‌کند (مطالعات میدانی، ۱۳۸۹).

بر اساس شکل ۲ نحوه استقرار سکونتگاه‌های روستایی در ناحیه ی کوهپایه‌ای استان در بخش مرکزی به صورت خوشه‌ای و تجمعی قرار گرفته است. در ناحیه کوهپایه‌ای بخش خلجستان بر اساس نقشه هیدروگرافی (شکل ۴) سکونتگاه‌های روستایی در مسیر آبراهه‌ها استقرار یافته و حالت خطی به صورت دانه‌های تسبیح قرار گرفته اند و در دهستان قاهان، روستاها در فواصل کم و به صورت پراکنده استقرار یافته اند و منشأ استقرار روستاها نیز چاهها و قناتیایی بوده که از نواحی کوهستانی منطقه خلجستان منشأ می‌گیرد.

نظام استقرار روستاهای واقع در نواحی دشتی

اراضی واقع در مرکز، شمال و شرق استان قم را شامل می‌شود، بخش‌های وسیعی از این ناحیه واقع در اطراف دریاچه حوض سلطان و دریاچه نمک به دلیل شوری آب و خاک خالی از سکنه است، لیکن بخش‌های مرکزی استان شامل دشت قم و دشت گازران به دلیل وجود منابع آبهای زیر زمینی و اراضی مناسب برای کشاورزی مهمترین مراکز استقرار جمعیت در سطح استان محسوب می‌گردد، به طوری که بیش از ۹۲ درصد جمعیت استان در این ناحیه استقرار یافته است. دشت قم به دلیل وجود رودخانه قمرود و آب مناسب آن در سال‌های نه چندان دور و رسوبات و نشست‌های حاصل از جریان این رودخانه زمین‌های حاصلخیز کشاورزی را شکل داده که در استقرار اولیه این روستاها مؤثر بوده‌اند. در جعفرآباد یا دشت گازران هم رودخانه‌هایی که از منطقه کوهستانی خلجستان سرازیر شده و هم چنین

شکل ۸ که مربوط به شبکه راه‌های ارتباطی استان بوده در دهستان قنات جاده قدیم قم - کاشان در استقرار اولیه سکونتگاه‌های این منطقه نقش مهمی داشته است. هم‌چنین وجود اراضی کشاورزی و منابع آبهای سطحی و زیر سطحی عامل مهم استقرار روستاها در بخش مرکزی استان قم است. نظام استقرار روستاهای بخش مرکزی در سه دهستان آن شامل، استقرار پراکنده (دهستان قم‌رود) متمرکز (دهستان قنات) و خطی خوشه‌ای (دهستان راهجرد) است.

الگوهای اجتماعی مسکن روستایی

واحدهای مسکونی خانواده‌های سستی مناطق روستایی استان از یک سو تحت تأثیر اقلیم و شرایط محیط طبیعی با توجه به قرار گیری در سه پهنه کوهستانی، کوهپایه‌ای و دشتی است و از سوی دیگر با الگوی معیشت خانوار ارتباط تنگاتنگی داشته است. بطور عمده مسکن روستایی استان در گذشته از امکانات محیط پیرامون خود و مواد و مصالحی که طبیعت در اختیار آنان قرار می‌دهد، استفاده کرده‌اند برای نمونه در مناطق کوهستانی سنگ و گل و مناطق دشتی (کویری) خشت و گل با دیوارهای ضخیم و سقف گنبدی (ضربی) ایجاد می‌شده تا گرمای محیط به درون اتاق نفوذ نکند. در روستاهای استان تقسیمات داخلی ساختمان‌ها تا حد زیادی متأثر از نحوه معیشت خانوارها (محل مناسب برای نگهداری محصولات کشاورزی، محل نگهداری دام و...) بوده است. ضمن آن که در مورد شکل داخلی خانه‌های روستایی مهم‌ترین مطلب به بعد اجتماعی - فرهنگی و سن‌های رایج در جامعه روستایی در گذشته بر می‌گردد و به تبعیت از وضعیت اقتصادی و رده‌بندی اجتماعی ساکنان روستا مسکن در ابعاد و اندازه‌ها متفاوتی ساخته می‌شدند (مطالعات میدانی، ۱۳۸۹).

هم‌چنین بخش جعفر آباد در قسمت روستاهای جلگه‌ای و در نواحی دشتی استان قرار می‌گیرد. با توجه به نقشه‌های مختلف منعکس شده در این نوشتار عوامل مؤثر در استقرار آبادی‌ها در این بخش عبارت از چاه، قنات، رودخانه به عنوان عوامل (طبیعی) و وجود مراکز خدمات رسانی به عنوان عوامل (مصنوعی - اقتصادی) است. عوامل طبیعی در استقرار سکونتگاه‌های زیستی به شکل غالب، و عوامل مصنوعی به عنوان عوامل جانبی در استقرار سکونتگاه‌های روستائی مؤثر بوده‌اند. همانطوریکه قبلاً ذکر گردید اکثر روستاهای این ناحیه در دشت قرار گرفته‌اند.

در بخش سلفچگان که در تقسیمات کشوری در سال ۸۵ به عنوان بخش معرفی گردیده است بر اساس داده‌های سال ۱۳۸۵ و استخراج نقشه‌های توپوگرافی، هیدروگرافی و راه‌های ارتباطی، (اشکال ۳، ۴ و ۵) سکونتگاه‌های واقع در این بخش در سه پهنه اکولوژیکی کوهستانی، کوهپایه‌ای و دشتی قرار می‌گیرند به طوری که بر اساس نقشه توپوگرافی به علت محدودیت‌های ارتفاعی روستاها به صورت محدود و پراکنده در امتداد چشمه‌ها و قنات‌ها به صورت الگوی خوشه‌ای خطی شبیه به دانه‌های تسبیح

بر اساس مشاهدات میدانی از روستای قمرود (در فاصله حدود ۳۵ کیلومتری و شمال شرق شهرقم) که به عنوان مرکز دهستان قمرود محسوب می‌گردد. دو الگوی فضایی - اجتماعی سنتی و مدرن مساکن روستایی مشاهده می‌گردد الگوی سنتی که در مرکز آبادی و به صورت متمرکز بوده و معماری آن در ارتباط با مسائل فرهنگی و اجتماعی روستاییان آن زمان بوده به گونه‌ای که در مصالح به کار گرفته شده در خانه‌های روستایی از مواد و مصالحی که خاص اقلیمهای خشک و کویری (خاک و گل) بوده، ساختمانها دارای بادگیر بوده و در داخل ساختمانها فضاها متناسب با نیازهای زیستی، اقتصادی و اجتماعی منطقه طراحی شده است. در این راستا تعبیه مکانهایی برای انبار مواد غذایی، نگهداری دام (اصطبل یا آغل) و ... مشهود است. همچنین با توجه به متمرکز بودن مساکن روستا و وجود معابر تنگ نقش عوامل و الگوهای اجتماعی در نحوه استقرار مساکن در زمانهای گذشته از نظر مسائل امنیتی و دفاعی در پهنه مناطق کویری و خشک استان مشخص می‌گردد. لازم به ذکر است که این بافت و ریخت سنتی مساکن روستایی در روستای مذکور در حال حاضر خالی از سکنه است ولی همگام با تحولات ایجاد شده در نواحی روستایی ساخت و سازها در اطراف مساکن گذشته و با تکنولوژی امروزی و به تبعیت از مساکن شهری و کارکردها و ساختارهای جدید در ابعاد فضایی - کالبدی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در روستای قمرود شکل گرفته است تحت تأثیر تغییرات در ساخت‌های اجتماعی - اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی در کل و مساکن روستایی در جزء در مناطق روستایی استان به مانند سایر نقاط کشور دچار دگرگونی شده‌اند به گونه‌ای که

تأثیرگذاری شهر بر ساخت مساکن روستایی از نظر (وسعت و شکل فضای آزاد، شکل درونی خانه‌ها، روند تکوین و گسترش خانه‌ها، شکل ظاهری، تسهیلات و امکانات و سطح زیر بنا و سطح مفید) کاملاً مشهود است این موضوع در مورد مساکن روستایی نواحی کوهستانی استان نیز مصداق دارد به گونه‌ای که تغییراتی در بافت، ریخت و کالبد مساکن روستایی به وجود آمده و به علت وجود باغات ساخت خانه‌های دوم جهت استفاده از کارکردهای فراغتی و تفریحی نیز در آن به وجود آمده است (مطالعات میدانی، ۱۳۸۹). که البته از یک سو به دلیل عدم رعایت اصول ایمنی و فنی در ساخت مسکن در گذشته و از سوی دیگر عدم جوابگویی این مساکن با نیاز امروز جامعه روستایی تغییر در مسکن روستایی را به تبعیت از ساخت مساکن شهری شروع نمودند. هر چند که بدون احتساب فواید ساخت مسکن روستایی به سبک امروزی، الگویی از ساخت مسکن در روستاهای کشور بدون همخوانی با شرایط جغرافیایی و فرهنگی و نیز نقش‌های استراتژیکی، تولیدی، معیشتی، انباری و کارگاهی روستاها پیاده و اجرا شده که در برخی موارد نتوانسته آن گونه که باید نیازمندی‌های ساکنان را برآورده نماید.

رابطه شهر و روستا و تغییرات در ساخت اجتماعی و اقتصادی مساکن روستایی

توسعه و تقویت شهرهای کوچک علاوه بر این که جزء اهداف تمرکز زدایی بوده و باعث توسعه ناحیه‌ی مختلف شهری به روستاهای حوزه نفوذ باعث حفظ روابط ارگانیک بین شهر و روستا و ثبات جمعیت روستایی و بالطبع کاهش مشکلات شهرهای بزرگ می‌شوند (ملکیان دولت آبادی،

و ساختاری منحصر به فرد خود می باشد و در استقرار و حفظ و نگهداشت جمعیت روستاهای حوزه نفوذ می تواند اثرات متفاوتی داشته باشد بر این اساس جمعیت روستاهای حوزه نفوذ شهرهای استان تا شعاع ۱۰ کیلومتری در قالب نقشه و جدول ۳ ارائه گردیده است بر این مبنا جمعیت شهرهای دستجرد و کهک در طی سالهای ۷۵ تا ۸۵ از متوسط رشد سالیانه کاهنده‌ای به ترتیب معادل ۲,۴ و ۱,۱ درصد برخوردار بوده از سوی دیگر برای مشخص کردن این نکته که جمعیت این روستاها به این شهرها مهاجرت کرده اند یا خیر؟ با رجوع به جدول جمعیت شهرهای استان در می یابیم که افزایش جمعیت دو شهر یاد شده قابل توجه نبوده و رشد عادی و کند خود را داشته است. از طرف دیگر جمعیت سکونتگاه‌های روستایی تا شعاع ۱۰ کیلومتری شهرهای قنوات و جعفریه به ترتیب از رشد متوسط سالیانه ۴,۴ و ۱,۶ برخوردار بوده است. هم چنین جمعیت روستاهای تا شعاع ۱۰ کیلومتری شهر سلفچگان (با وجود آنکه در سال ۱۳۸۷ به شهر تبدیل شده) از رشد متوسط سالانه ۱,۶ درصدی برخوردار گردیده است. وجود مراکز خدماتی در قالب ایجاد شهرهای کوچک به عنوان عوامل مصنوعی و انسان ساخت در استقرار و حفظ و نگهداشت سکونتگاه‌های استان قم دارای تأثیرات متفاوتی بوده است.

شهرهای کوچک استان به عنوان عوامل مصنوعی در استقرار جمعیت سکونتگاه‌های روستایی اثرات قابل توجه در جذب و نگهداشت جمعیت استان قم خصوصا در مقایسه با کلان شهر قم نداشته است.

در یک تحلیل کلی از جمله علل رشد متوسط سالانه جمعیت روستاهای حوزه نفوذ شهر قنوات می توان به نزدیک بودن این شهر به کلان شهر قم،

افزون بر آن افزایش رابطه شهر و روستا به تبعیت از تحولات و تغییرات در ساختهای اجتماعی و اقتصادی (گسترش شبکه‌های ارتباطی، وجود روابط پولی در جامعه روستایی، توسعه موسسات آموزشی، اصلاحات ارضی و ...) موجبات تأثیرپذیری جامعه روستایی را فراهم می کند و تغییراتی را در مسکن روستایی در ابعاد کالبدی، فضایی و اجتماعی و اقتصادی مانند نحوه استقرار مسکن در فضای روستا، الگوها و شیوه‌های ساخت خانه، غلبه و سلطع فرهنگی اقتصادی شهر، تغییر کارکردها و... را به وجود می آورند. از این رو در این قسمت نوشتار برآنیم که نقش این شهرها را در قالب عوامل مراکز خدمات رسانی از نظر تثبیت و نگهداشت جمعیت سکونتگاه‌های روستایی مورد بررسی قرار دهیم. بر این اساس جمعیت روستاهای حوزه نفوذ این شهرها را تا شعاع ۱۰ کیلومتری در طی سالهای ۷۵ تا ۸۵ محاسبه شده است.

جدول ۳- جمعیت روستاهای حوزه نفوذ تا شعاع ده

کیلومتر شهرهای استان

شرح	۱۳۷۵	۱۳۸۵	تغییرات جمعیت	رشد متوسط سالیانه
جمعیت روستاهای تا شعاع ۱۰ کیلومتری شهر دستجرد	۵۴۶۴	۴۲۸۲	-۱۱۸۲	-۲,۴
جمعیت روستاهای تا شعاع ۱۰ کیلومتری شهر کهک	۵۴۴۲	۴۸۷۵	-۵۶۷	-۱,۱
جمعیت روستاهای تا شعاع ۱۰ کیلومتری شهر جعفریه	۷۸۷۴	۹۲۳۰	۱۳۵۶	۱,۶
جمعیت روستاهای تا شعاع ۱۰ کیلومتری شهر قنوات	۴۶۰۴	۷۰۷۵	۲۴۷۱	۴,۴
جمعیت روستاهای تا شعاع ۱۰ کیلومتری شهر سلفچگان	۳۳۵۵	۳۹۵۵	۶۰۰	۱,۶

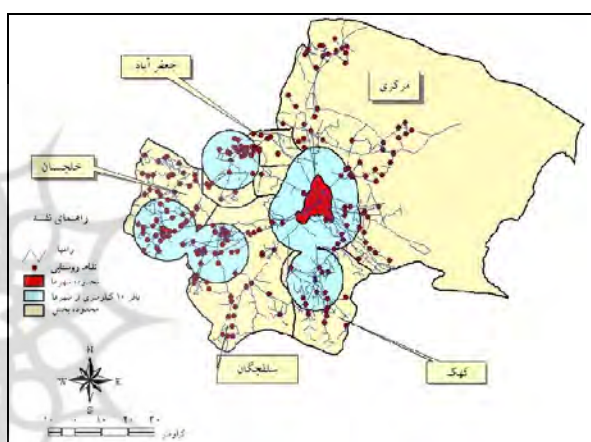
از آنجایی که تبدیل نقاط روستایی به شهر باعث ایجاد مراکز خدمات رسانی و ایفای نقش‌های کارکردی

و عوامل جغرافیای انسانی مشخص می‌شود با موقعیت طبیعی ارتباط تنگاتنگ دارند. تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی غالباً نقش و اهمیت عوامل گوناگون را در شکل دهی و الگوهای استقرار مسکن تحت تأثیر قرار می‌دهد جلوه‌های گوناگون این تحولات در عرصه‌های روستایی بر کارکردهای روستایی تأثیر داشته و تنوع کارکردهای مسکن نه تنها در فعالیت‌ها و روابط درونی روستاها، بلکه در تعیین وسعت و جمعیت و شکل ظاهری و کالبدی آنها نیز عامل تعیین کننده‌ای به شمار می‌آید. به طور کلی، بر مبنای نحوه استقرار و شکل‌پذیری، مسکن روستایی عمدتاً به دو نوع بافت پراکنده و مجتمع و از نظر الگوهای استقرار بافت‌های کالبدی مسکن سه الگوی خطی، کانونی و گسترده (صفحه‌ای) و یا ترکیبی از این الگوها تقسیم‌بندی می‌شوند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوهای فضایی - اجتماعی استقرار مسکن روستایی استان ناشی از عوامل طبیعی (ناهمواری‌ها، منابع آب و خاک، چشمه، قنات و چاه) و هم چنین عوامل انسانی (راه‌های ارتباطی، وجود مراکز خدمات رسانی، تأثیرپذیری جامعه روستایی از شهر و تغییرات در ساخت‌های اجتماعی و اقتصادی) و در مواردی تأثیر ترکیبی چند عامل است. الگوی پراکنش عمدتاً خوشه‌ای و خطی خوشه‌ای است.

افزون بر این با توجه به ویژگی‌های جغرافیای استان قم، نوعی از مناسبات و روابط مکانی - فضایی و نظام سلسله مراتبی سکونتگاهی در آن حکمفرما شده که دوگانگی فضا در قالب (نقاط شهری در قالب جمعیت کلان شهرقم) و پیرامون (حوزه‌های روستایی و روستا- شهری) در آن کاملاً مشهود می‌باشد. به گونه‌ای که عدم تعادل در ساختار فضایی و قطبی

وجود قطب دامی توانمند در منطقه مرتبط دانست. هم چنین در مورد شهر جعفریه رونق فعالیت‌های دامداری و وجود اراضی مستعد کشاورزی و در مورد شهر سلفچگان وجود منطقه تجاری - اقتصادی سلفچگان و قرارگیری در مسیر محورهای ارتباطی در حفظ و نگهداشت جمعیت روستاهای حوزه نفوذ این شهرها به عنوان عوامل مصنوعی و انسان ساخت مؤثر در استقرار سکونتگاه‌های روستایی استان بی تأثیر نبوده است.



شکل ۹- حوزه نفوذ شهرهای استان تا شعاع ۱۰ کیلومتری

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جمع‌بندی مبانی نظری نشان می‌دهد به طور کلی، در استقرار و شکل‌گیری الگوهای فضایی و اجتماعی مسکن روستایی دو دسته عوامل طبیعی و عوامل محیط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نقش دارند. این عوامل به یک سکونتگاه روستایی از نظر مکانی - فضایی هویتی خاص می‌بخشند و تغییر هر یک از این عوامل می‌تواند اهمیت و نقش هر موقعیت را دگرگون کند در این میان موقعیت کارکردی بر اساس شکل و دامنه روابط و نحوه برآوردن نیازهای ساکنان یک سکونتگاه که بیشتر بر روابط درونی و بیرونی روستاها

منابع

آسایش، حسین و استعلاجی، علیرضا، (۱۳۸۱)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای (مدل‌ها، روش‌ها و فنون)، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.

استعلاجی، علیرضا و قدیری معصوم، مجتبی، (۱۳۸۴)، بررسی عوامل جغرافیایی در نظام استقرار سکونتگاه‌ها با تاکید بر تکنیک‌های کمی (پژوهش موردی: ناحیه ویکلیج از توابع شهرستان نمین)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳

اکبرافلی، فرحناز و ولایتی، سعیدالله، (۱۳۸۶)، بررسی جایگاه عوامل طبیعی در استقرار سکونتگاه‌های روستایی، فصلنامه جغرافیا، سال پنجم، شماره ۱۲-۱۳، بهار و تابستان.

امیدی‌شاه‌آباد، امید، (۱۳۸۹)، تحلیل روند پراکندگی فضایی سکونتگاه‌های روستایی از نظر جمعیت در ایران، چکیده مقالات بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی: مسکن و بافت، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

پوراحمد، احمد، سلطانی، نبی‌الله، (۱۳۷۹)، اثر تحولات جمعیت روستایی شهرستان بهار طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۷۵ بر ساختارهای فضایی و مکانی ناحیه، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی دانشگاه تهران.

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و فیروزنیا، قدیر، (۱۳۸۱)، جایگاه روستا در فرایند توسعه ملی، انتشارات موسسه توسعه روستایی ایران.

سعیدی، عباس، (۱۳۷۵)، ضرورت آرایش مکانی - فضایی سکونتگاه‌های در راستای ساماندهی روستاهای پراکنده، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی همدان.

شدن جمعیت و تخلیه تدریجی مسکن روستایی از جمله چالش‌ها و عوامل ناپایداری و تضعیف رو به تزايد فضاهاى روستایی علیرغم وجود توان‌ها و قابلیت‌های منطقه‌ای است. هم‌چنین یافته‌های این پژوهش در مورد عوامل اقتصادی و اجتماعی به عنوان بنیان‌های جغرافیای انسانی و اجتماعی مانند نزدیکی به کلان شهر قم، ایجاد شهرهای کوچک، وجود قطب‌های دامی و کشاورزی، مناطق تجاری و اقتصادی، راه‌های ارتباطی و مواصلاتی، احداث شهرکها و نواحی صنعتی در استقرار فعالیت و تداوم و نگهداشت جمعیت سکونتگاه‌ها دارای آثار متفاوتی از منظر نحوه و وضعیت استقرار مسکن روستایی در ابعاد فضایی - اجتماعی و اقتصادی بوده است. هر چند در این زمینه شهرهای کوچک استان اثرات قابل توجهی در حفظ و جذب جمعیت روستایی در مقایسه با کلان شهر قم نداشته است. با این وجود تحت تأثیر تغییرات در ساختارهای اجتماعی - اقتصادی مسکن روستایی از طریق رابطه شهر و روستا و ارائه خدمات اجتماعی و اقتصادی دچار دگرگونی در بافت، کالبد و ریخت مسکن روستایی به عنوان نمادی از چگونگی تعامل و ارتباط انسان با محیط طبیعی پیرامون خود شده و به نوعی نشان دهنده نوع فعالیت در امور اقتصادی و نگرش اجتماعی - فرهنگی روستاییان و چگونگی تحول و استفاده از تکنولوژی و نهایتاً سطح درآمد و معیشت ساکنان آن است. به عبارتی دیگر بین الگوهای فضایی و الگوهای اجتماعی نشأت گرفته از ابعاد فضایی مسکن روستایی ارتباط دوسویه وجود دارد.

مرکز آمار ایران ۱۳۸۶، داده‌های سرشماری نفوس و مسکن آبادی‌های استان قم.

موسی کاظمی، مهدی و علی بدری، (۱۳۸۳)، جغرافیای شهری و روستاشناسی، انتشارات دانشگاه پیام نور

هاشمی کوچسرایبی، مجید، (۱۳۷۵)، بررسی پراکندگی سکونتگاه‌های روستایی در ایران، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی همدان.

Khaleel Ismael, Ayoob and Ibrahim Ngah; (2011), Spatial Distribution Pattern of Rural Settlement in Shaqlawa District, Kurdistan Region; empowering nation through geospatial Kota Kinabalu Sabah

Khalil Kalantari, Hossein Shabanali Fami, Ali Asadi, Iraj Qasemi and Shahla Chubchian; (2008), Major Challenges of Iranian Rural Communities for Achieving Sustainable Development American Journal of Agricultural and Biological Sciences 3 (4): 724-728.

Anabstani; Ali Akbar, "(2011); The role of natural factors in stability of rural settlements (case study: Sabzevar county); Geography and Environmental Planning, 21th Year, vol. 40, No.4, Winter

Yu Tao Zhang Jing-xiang Sun Li-jing Huang Wen-yun Research on Rural Spatial Distribution in China Based on Urban-Rural Integrated Planning Management; Computer Sciences and Convergence Information Technology; 2009.

سعیدی، عباس، (۱۳۸۶)، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت

شفیعی ثابت، ناصر، (۱۳۸۵)، نظام سلسله مراتب سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر ایران، <http://n-shafiei.persianblog.ir>

صیدایی، سید اسکندر و نوروزی آورگانی، (۱۳۸۹)، تحلیلی بر الگوهای استقرار فضایی سکونتگاه‌های روستایی در استان چهار محال و بختیاری، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۸.

طالب، مهدی و عبری، موسی، (۱۳۸۴)، جامعه شناسی روستایی، ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، انتشارات دانشگاه تهران

عنابستانی، علی اکبر، (۱۳۹۰)، بررسی آثار فعالیت‌های اقتصادی بر الگوهای مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستاهای خراسان رضوی)، دوماهنامه پیام مهندس، سال ۱۱، شماره ۵۴.

مهندسین مشاور عمران زاوه، (۱۳۸۲)، طرح مطالعات توسعه اقتصادی و اجتماعی استان قم، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قم.

ملکیان دولت‌آبادی، زهره، (۱۳۸۷)، شهرهای کوچک و ارزیابی نقش در آنها در روستاهای حوزه نفوذ؛ نمونه موردی شهر قنات - استان قم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

معاونت برنامه‌ریزی استانداری قم، سالنامه آماری استان قم، ۱۳۸۷ و ۱۳۷۵.

Analyzing spatial-social patterns of rural housing in Qom province and social factors affecting it

S.E. Seydaei, A. Shapoorabady

Received: May 15, 2010/ Accepted: February 12, 2012, 17-20 P

Extended abstract

1- Introduction

Rural settlements can be studied based on their shape and type, the natural factors such as climate, soil and water, social and cultural factors influencing the texture and morphology and the spatial-social patterns originating from them and even based on the degree of their development. Therefore, in order to plan for sustainable development of rural settlements and for realization of national development goals, it is important to identify and analyze the spatial-social patterns of residence at the context of human settlement. Disorder in the function of spatial system of rural settlements in Qom province along with polarization of the

population, activities and services in the metropolitan city of Qom and also lack of adequate attention to the various aspects of rural life can lead to challenges in the development plans of the province. Due to the above requirements, this research intends to study, understand and analyze the spatial and social patterns of rural houses in Qom province. So that in addition to finding natural factors affecting the rural human settlements, developments and changes in the economic and social structure (in this study changing rural areas to cities and economic centers and service deployment and etc.) of rural human settlements in terms of the ways cities are kept, population stabilization and function and morphology of rural houses should be investigated.

Author(s)

S.E. Seydaei

Assistant Professor of Geography and Rural Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

A. Shapoorabady (✉)

Ph.D Student in Geography and Rural Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

e-mail: ahshapoorabady@gmail.com

2- Methodology

The research method is descriptive and analytical and data collection method is field study and documentary. In conducting the study, first existing data on the topic and the region were gathered from the information contained in the books, documents, journals and basic maps and then the required information about the province were prepared through field studies including observations, interviews and referring to the region. Consequently, using computers and GIS software, analysis and combining data layers took place. It should be noted that in this study the information obtained to draw maps were related to the data layers of the last census conducted in 2006. In the first stage, they were analyzed in the Excel software and then they were analyzed in the GIS software.

3- Discussion

Findings show that spatial-social patterns of rural housing are due to natural factors (altitude, soil and water resources, springs, canals and wells) as well as human factors (roads, service centers, the way rural community is influenced by the urban community and changes in the social and economic construction) and in some cases, the effect is a combination of several factors. The distribution pattern is largely cluster and linear cluster.

In addition, considering the geographical features of Qom province, a kind of spatial relation and settlement hierarchy governs there, in which dichotomy in terms of space

(the urban population in the metropolitan city of Qom) and peripheral (rural areas and the rural – urban areas) is clearly evident. So that an imbalance in the spatial structure and population polarization and gradual depletion of rural houses are the challenges and factors of instability and increasing undermining of the rural areas despite the regional power and capabilities. In addition, the findings of this study with regard to social and economic factors such as the social foundations of human geography and proximity to the major city of Qom, creating small cities, existence of animal and agriculture pole, trade and economic areas, linking roads, construction of towns and industrial areas in the establishment and maintenance of activity and sustainability of settlements have different effects in terms of positioning mode and rural human settlements in spatial, social and economic dimensions. However, in this respect, small cities do not have significant effects on retention and recruitment of rural population in comparison to the metropolitan of Qom.

4- Conclusion

Spatial-social patterns of rural housing of Qom province are due to natural factors as well as human factors and in some cases, a combination of all these factors. The distribution pattern is largely cluster and linear cluster. Small cities of the province, as artificial agents in attracting the population in rural settlements, do not have significant

effects on retention and recruitment of rural population especially in comparison to the metropolitan of Qom. However, influenced by the impact of changes in social - economic structures, rural houses through the relationship between the urban and rural areas and providing economic and social services have undergone changes in the tissue anatomy and morphology of rural houses (as a symbol of how human interact and relate with the surrounding natural environment) and in some way represents the kind of economic activity and social-cultural attitudes of villagers and the development way and use of technology, and ultimately represents the level of income and livelihood of the residents. In other words, there is a mutual relationship between spatial patterns and social patterns originating from the spatial dimensions of rural houses.

Key words: spatial settlement, social pattern, rural housing, rural sustainable development, Qom province.

References

- Akbar Oghli, Farahnaz and Velayati, Sadollah (2007). The role of natural factors in the rural settlements, *Journal of Geography*, Fifth Year, No. 12-13, Spring and Summer
- Anabestani, Ali Akbar (2011). Investigating the effects of on economic activity patterns of rural housing (case study of Khorasan villages), *bimonthly of engineer message*, Year 11, No. 54.
- Anabestani; Ali Akbar, 2011; the role of natural factors in stability of rural settlements (case study: Sabzevar county); *Geography and Environmental Planning*, 21th Year, vol. 40, No.4, winter
- Asayesh, Hossein and Estelaji, Alireza, 2002. *Regional planning techniques (models, methods and techniques)*, Tehran, Islamic Azad University.
- Estelaji, Alireza and Ghadiri Masoom, Mojtaba (2005). Investigating geographical factors in the establishment of settlements, with an emphasis on quantitative techniques (case study of Viklij), *Geographical Research*, No. 53.
- Field studies of authors in Qom province, 2010.
- Hashemi Kouchsaraee, Majid (1996). Investigating distribution of rural settlements in Iran, *Proceedings of the seminar on organizing scattered villages*, Hamedan Islamic Revolution Housing Foundation.
- Khaleel Ismael, Ayoob and Ibrahim Ngah ; 2011, **Spatial Distribution Pattern of Rural Settlement in Shaqlawa District, Kurdistan Region;empowering nation through geospatial Kota Kinabalu Sabah**
- Khalil Kalantari, Hossein Shabanali Fami, Ali Asadi, Iraj Qasemi and Shahla Chubchian; 2008 , *Major Challenges of Iranian Rural Communities for Achieving Sustainable Development* American Journal of Agricultural

- and Biological Sciences 3 (4): 724-728.
- Malekian Dolatabadi, Zohreh (2008). The role of small towns and villages in their sphere of influence; case of qanats - Qom, Master Thesis, University of Isfahan.
- Mousakazemi, Mahdi and Badri, Ali (2004). Urban and rural geography, Payam Noor University Publishing
- Omidi Shahabad, Omid, (2010). Analysis of the spatial distribution of population in rural settlements, abstracts of international articles on rural settlements: Housing and texture, Housing Foundation of Islamic Revolution Planning Deputy Governor of Qom, Qom Province Statistical Yearbook, 2008 and 1996.
- Pouahmad, Ahmad and Soltani, Nabiollah (2000). The effect of transformation of the rural population of Bahar city during 1976-1996 on spatial structures of region, Journal of geographical studies, Tehran University.
- Rokneddin Eftekhari, Abdolreza and Firouznia, Ghadir (2002). The village's position in the national development process, Institute of Rural Development Publication.
- Saeedi, Abbas (1996). Necessity of spatial arrangement of settlements in villages along with organizing scattered villages, Proceedings of the seminar on organizing scattered villages, Hamedan Islamic Revolution Housing Foundation.
- Saeedi, Abbas (2007). Fundamentals of rural geography, Samt publishing
- Seidaee, Seyed Eskandar and Norouzi Avargani (2010). Analysis of the spatial patterns of rural settlement in the province of Chahar Mahal and Bakhtiari, Geography and Development, No. 18.
- Shafiee Sabet, Naser (2006). Hierarchy of rural settlements with an emphasis on Iran. Retrieved from <http://n-shafiei.persianblog.ir>
- Statistical Center of Iran, 2007, census data of population and housing settlements in Qom.
- Taleb, Mahdi and Anbari, Mousa (2005). Rural Sociology, aspects of change and development in rural communities, Tehran University Press
- Yu Tao Zhang Jing-xiang Sun Li-jing Huang Wen-yun Research on Rural Spatial Distribution in China Based on Urban-Rural Integrated Planning Management; Computer Sciences and Convergence Information Technology ;2009 .
- Zaveh Civil Consulting Engineers, 2003, Plans for economic and social development studies in Qom Province, Qom Management and Planning Organization.